

- آن امام بزرگ علیه السلام فرمود: باید که دنیا در نظرتان خردتر از خرده برگهایی باشد که زیر پا له می‌شود و خرده پشمهایی که از دم قیچی می‌گذرد. (نهج البلاغه، خطبه ۳۲).

- عبدالله بن عباس رضی الله عنه گوید: در ذی‌قار بر امیرمؤمنان علیه السلام وارد شدم در حالی که سرگرم وصله زدن کفش خود بود، به من فرمود: ارزش این کفش چند است؟ گفتم: ارزشی ندارد، فرمود: به خدا سوگند که این کفش پاره نزد من از حکومت بر شما محبوبتر است مگر آنکه با در دست داشتن آن حکومت حقی را بر پا دارم یا باطلی را سرکوب کنم. (نهج البلاغه، خطبه ۳۳).

- و فرمود: به خدا سوگند دنیای شما در نظر من پستتر از استخوان سخت و بی‌گوشت خوک در دست جذامی است. (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۵). شیخ محمد جواد مغنیه گوید: برخی گفته‌اند "عراق" شکمبه حیوان است، و کیست که شکمبه یا استخوان خوک را از دست یک جذامی بگیرد و بخورد؟ آیا در همه عالم هستی چیزی منفورتر از این خوراک و دستی که آن را برمی‌دارد هست؟ دنیا در نظر علی علیه السلام همین است و آن را با گفتار و کردار و عقل و احساس اثبات کرده‌است، و حقیقت دنیا این است گرچه آراسته به زیور طلا و دیبا و معطر به بوی عنبر باشد، و اگر من و امثال من از طالبان و سگان خود را بفریبید آیا عقل سلیم را هم می‌تواند فریفت؟... (شرح نهج البلاغه مغنیه، ۴ / ۳۵۸).

- و فرمود: ... و دنیای خود را نزد من نامرغوبتر از آب بینی یک بز خواهید یافت. (نهج البلاغه، خطبه ۳).

- و فرمود: و دنیای شما نزد من پستتر از برگی است در دهان ملخی که مشغول جویدن آن است. علی را با نعمت فناپذیر و لذت ناپایدار چکار؟ از خواب عقل و زشتی لغزش به خدا پناه می‌بریم و از او کمک می‌خواهیم. (نهج البلاغه خطبه ۲۲۲).

- و فرمود: به خدا سوگند از دنیای شما زر و سیمی نیندوختم (تعبیر امام - علیه السلام - چنین است: "جز به اندازه اندک ترشحي که هنگام آب کشیدن روی سنگ لب چاه می‌ریزد برنگرفتم"). و از غنائم آن مال فراوانی انباشته نساختم، و به جای این پیراهن کهنه‌ام پیراهنی تهیه ندیدم، و از زمین آن یک وجب تصرف نکردم، و از آن جز به اندازه سد رمقی برنگرفتم. و سوگند می‌خورم که دنیای شما در نظر من سستتر و پستتر از میوه تلخ درخت بلوط است." (نهج البلاغه، نامه ۴۵).